

دکتر تد هیلدبرانت ، تاریخ OT ، ادبیات و الهیات ، سخنرانی 17

کپی راییت © 2020 ، تد هیلدبرانت

این دکتر تد هیلدبرانت در دوره تاریخ، ادبیات و الهیات عهد عتیق، سخنرانی ۱۷ در مورد کتاب تثنیه، نهادهای اسرائیل و درک های مختلف از مفهوم قانون است.

A. ده فرمان: هرزنامه های بزرگ [0:00-2:09] LC

ما امروز سعی خواهیم کرد بیشتر کتاب تثنیه را مرور کنیم. اگرچه احتمالا نمی توانیم همه چیز را پشت سر بگذاریم. امروز چیزهای دشواری برای توضیح وجود خواهد داشت، بنابراین تا آنجا که به مسائل شناختی مربوط می شود، این احتمالا سخت ترین روزی است که در دوره خواهیم داشت. این چیزهای بسیار سنگینی است. ما با شریعت و فیض و تفاوت بین عهد عتیق و عهد جدید و چیزهایی از این قبیل سر و کار خواهیم داشت. بنابراین مطالب بسیار جالبی وجود خواهد داشت. قبل از اینکه به محتوای سنگین برسیم، بیایید کارهای سبک تری انجام دهیم. اول از همه، می خواهیم ده فرمان را به شما آموزش دهیم. ده فرمان پایه و اساس هستند. آنها را شرایط کلی می نامند. آنها به نوعی برای هر چیز دیگری در شریعت اساسی هستند. من در حفظ کردن ده نفر مشکل داشتم، به نوعی شبیه 12 رسول است، شما همیشه یکی را از دست می دهید، باید چند بار آنها را مرور کنید. بنابراین تصمیم گرفتم یک آکروستیک احمقانه در اینجا برای آن درست کنم. بنابراین این ده فرمان است: B.I.G. ال سی S.P.A.M.S، باشه؟ حالا از نسل من، آیا می دانید "هرزنامه" چیست؟ احتمالا مردم نمی دانند اسپم چیست. هرزنامه، آنها این چیزها را در یک قوطی قرار می دهند و برای 30 سال خوب می ماند. در واقع، شما احتمالا اسپم هایی را می خورید که وقتی من در دبیرستان بودم ساختند. هیچ واقعا نمی داند اسپم چیست، اما قرار است جایگزین گوشت باشد. بسیار خوب پس هرزنامه های بزرگ LC. به این ترتیب ما 10 فرمان را انجام خواهیم داد.

B. بدون کفر [2:10-3:32]

بزرگ، در اینجا همه چیز در مورد خدا خواهد بود. اولین مورد این خواهد بود: بدون کفر. بدون کفر. بدون گرفتن نام خداوند خدای خود به صورت سبک یا پیش پا افتاده. صادقانه بگویم با شما نمی دانم با خودم در نسل شما چه کنم. من حتی در محوطه دانشگاه گوردون می شنوم که دانشجویان هستند و پسر من به تازگی دوست دختری را که داشت به خانه آورده است، و هر کلمه دیگری که از دهانش بیرون می آید این بود: "اوه، خدای من، اوه خدای من، اوه خدای من." مردم به جای گفتن علامت تعجب، می گویند: "اوه خدای من." آیا این نام خدا را به روشی سبک و پیش پا افتاده می گیرد؟ بگذارید آن را برای شما توضیح دهیم: یک معلم جلوی کلاس دبیرستان در ماساچوست بلند می شود، شما می دانید که ماساچوست چگونه مدارس اینجا هستند، و یک معلم بلند می شود و ناگهان معلم پایش را به میز می کوبد و او می گوید، "اوه خدای من." خوب، آیا این در مدرسه ماساچوست مجاز

است؟ مطمئناً خواهد بود. همان معلم بلند می شود و او اینطور می رود و دستانش را جمع می کند و سرش را خم می کند: "اوه خدای من." آیا این مجاز است یا ممنوع است؟ نه، او شغلش را از دست می دهد. بنابراین من می گویم که واقعا جالب است. من فکر می کنم شما باید در مورد استفاده از نام خدا و نحوه انجام آن فکر کنید. چه از آن به روشی سبک و پیش پا افتاده استفاده کنید. او می گوید که من نمی خواهم نام من به شیوه ای سبک و پیش پا افتاده استفاده شود. بدون کفر.

ج. بدون بت و خدایان دیگر [4:37-3:33]

بدون بت ها. هیچ بت "من" در "BIG" نخواهد بود. باز هم ما بعل، عشیره و داگون را نمی پرستیم. ما بت های سنگی نداریم. برخی از مردم می گویند که ما بت های ماشین، پول، خانه و چیزهایی از این قبیل داریم و شما می توانید بگویید که این چیزها بت هستند. من همچنین به بت هایی که در ذهن خود می سازیم فکر می کنم. وقتی خدا را به گونه ای مفهوم سازی می کنیم که بسیار کمتر از آن چیزی است که واقعا هست. شما باید مراقب باشید که با روش خود برای مفهوم سازی خدا راحت باشید. پایان کتاب اول یوحنا او به ما هشدار می دهد. "مراقب بت ها باشید." بنابراین من فکر می کنم که این یک چیز واقعا معتبر است. در واقع، من مجبور شدم با بت های خودم روبرو شوم و بت پرستی خودم را در قرن بیست و یکم درک کنم. ما دیگر بعل پرستش نمی کنیم، اما بت های قرن بیست و یکم خودمان را انجام می دهیم. بنابراین، نباید کفر، بت و خدایان دیگری قبل از من وجود داشته باشد. بنابراین، نباید خدایان دیگری قبل از من وجود داشته باشد. آن سه، نه کفر، نه بت و نه خدایان دیگر. اینها همه بر خدا متمرکز هستند.

D. ال سی هرزنامه [8:07-4:38]

اکنون LC دروغ نمی گوید. این کاملاً آشکار است. دروغ نمی گوید. نه C، سرمایه داری نیست، منظورم این است که طمع نیست. آیا فرهنگ ما بر اساس طمع بنا شده است؟ پس نباید دروغ گفتن، طمع و طمع در خانه همسایه وجود نداشته باشد. به همسر همسایه خود طمع نکنید. به چیزهای همسایه خود طمع نکنید، و بنابراین طمع نکنید. این یک مشکل واقعی در آمریکا است که در آن همه به چیزهای دیگران طمع دارند. تا حدی کشور ما اینگونه ساخته شده است. بنابراین نباید دروغ گفتن، طمع یا دزدی وجود نداشته باشد. مردم حق مالکیت شخصی دارند. اینگونه است که شما آن را به معنای مثبت می گوئید. مردم حق مالکیت شخصی دارند. شما نباید وسایل آنها را بدزدید. آیا هم اتاقی شما هر چیز شما را می دزدد؟ مراقب باشید، دزدی خوب نیست. این گناه علیه خدا است. بدون دروغ گفتن، بدون طمع و بدون دزدی. کاری که هیچ دزدی انجام نمی دهد این است که می گوید شخص حق مالکیت شخصی را دارد. بگذارید این را بپذیرم، شما نباید دروغ بگویید که به این معنی است که چگونه آن را به معنای مثبت بیان می کنید؟ شما باید حقیقت را بگویید. پس شما باید یک گوینده حقیقت باشید. شما نباید دروغ بگویید، شما باید یک گوینده حقیقت باشید. شما نباید به چیزهای دیگران طمع کنید تا آن را برای خودتان تهیه کنید. در عوض، شما باید سخاوتمند باشید. و بنابراین می بینید که چگونه می توان هر یک از اینها را

چرخاند و به روشی مثبت قرار داد. شما نباید چیزها را بدزدید، بلکه باید سخاوتمندانه به دیگران بدهید.

اکنون پدر و مادر: پدر و مادر خود را احترام کنید تا روزهای شما بر روی زمین طولانی شود. پس این همان چیزی است که با والدین سر و کار دارد. این تنها مورد مثبت است. بقیه دروغ نگوئید، دزدی نکنید و این یا آن کار را نکنید. این یک نکته مثبت است: به پدر و مادران احترام بگذارید. این یک چیز بزرگ است. می دانید که این سوال مطرح می شود: وقتی پدر و مادرم شرافتمند نیستند چه کار کنم؟ می دانید، مادرم معتاد به مواد مخدر بود و پدرم از من بیرون رفت. این یک موقعیت واقعا دشوار است: چگونه به والدین احترام می گذارید. گاهی اوقات وضعیت دشواری است. بدون زنا. الف برای زنا است. بدون زنا. عیسی در عهد جدید در این مورد صحبت می کند. عیسی می گوید، "شما از زمان های قدیم شنیده اید که مرتکب زنا مشوید." اما عیسی چه می گوید؟ "اما من به شما می گویم، کسی که در قلب خود با شهوت به زنان نگاه می کند، قبلا در قلب خود مرتکب زنا شده است." عیسی این فرمان ها را می گیرد و آنها را به قلب می فرستد. او نمی گوید، "اوه، من هرگز مرتکب زنا نشده ام زیرا هرگز ازدواج نکرده ام." عیسی می گوید اگر شهوت دارید، قبلا مرتکب زنا شده اید. به هر حال، آیا در فرهنگ ما واقعا زنا را تحسین می کنیم؟ آیا نیمی از فیلم های ما درباره موقعیت های زنا هستند؟ در قدیم آنها از حروف قرمز روی آنها استفاده می کردند. اکنون شما یک قهرمان در فرهنگ ما هستید. در فرهنگ ما افراد مشهور همسران خود را تحویل می دهند و شوهران را تحویل می دهند و تقریبا مورد تحسین قرار می گیرند. بنابراین، زنا. مراقب زنا باشید.

E. قتل در برابر کشتن [11:01-8:08]

بدون قتل. هیچ قتلی "M" نیست. حالا توجه کنید. آیا آن کتاب مقدس می گوید، "نکش" یا می گوید، "قتل نخواهی کرد"؟ می گوید: «قتل ممنوع است». آیا بین قتل و قتل تفاوتی وجود دارد؟ آیا اسرائیلی ها مردم را در جنگ کشتند؟ آیا آنها این فرمان را زیر پا گذاشتند؟ نه، خدا به آنها گفت، در برخی موارد، برای رفتن به جنگ بیرون بروند. مورد دیگری که من از آن استفاده می کنم، مانند خودم از رفتن به جاده گریپ وین می ترسم. بچه ای دوچرخه سواری می کند. این بچه ها الان دوچرخه سواری می کنند و ناگهان بچه جلوی ماشینم منحرف می شود و من بچه را زیر می اندازم و بچه را می کشم. سوال، آیا من بچه را به قتل رسانده ام؟ حالا، آیا بچه مرده است؟ ماشینم را بالای سر او سوار کردم. پس من او را کشتم، اما آیا او را کشتم؟ قتل به معنای نفرت یا کینه توزی و پیش اندیشی است. این دو کلمه کلیدی هستند: کینه توزی و پیش بینی. به عبارت دیگر، هیچ کینه توزی در قلب من نسبت به این بچه وجود نداشت. او فقط به طور اتفاقی جلوی من منحرف شد. نمی توانستم متوقف شوم. بنابراین برای قتل کلید این است: کینه توزی و پیش اندیشی به عبارت دیگر، اگر شما از قبل برای کشتن یک نفر برنامه ریزی کرده اید، و بنابراین کینه توزی و پیش بینی که قتل است. شما باید بین کشتن و قتل تمایز قائل شوید. به هر حال، آیا حتی قوانین ما در آمریکا بین کشتن و قتل تمایز قائل می شوند؟ بله. آیا ما درجات متفاوتی از قتل و درجات مختلف کشتار داریم؟ من می خواهم این را با احترام برای افتخار والدین بگویم.

فرض کنید مادرشوهرم و مادرشوهرم آلازایمر داشته باشد. خوب یا بد؟ بد. واقعا بد. فرض کنید او سوار ماشین شد و شروع به رانندگی کرد. آیا او می تواند کسی را بکشد؟ آیا می توانست خودش را بکشد. فرض کنید او به جای استراحت پدال گاز را فشار داده و آن را از دست داده است زیرا هماهنگی او از بین رفته است. آیا او واقعا می تواند به کسی برخورد کند و او را بکشد؟ آیا او قاتل محسوب می شود؟ حالا، به هر حال، آیا او باید رانندگی کند؟ نه. بنابراین این تصویر بدی است. چیزی که می خواستم بگویم این است که فرض کنید یک نفر مست می شود و بیرون می رود، رانندگی می کند و در حالت مستی رانندگی می کند و کسی را می کشد. آیا آنها کمی مسئولیت پذیرتر از مادرشوهرم هستند که آلازایمر دارد؟ می دانید من چه می گویم؟ او کاملا از عقل خود خارج شده است. حالا او در وهله اول نباید ماشین را رانندگی می کرد، اما فردی که مست است، آیا آنها مسئولیت بیشتری دارند؟ چرا؟ در آنجا غفلت و مسئولیت وجود دارد. آیا آنها این کار را با کینه توزی و پیش بینی انجام دادند؟--نه، مشکل این بود که هیچ فکری وجود نداشت. درجات مختلفی از قتل و قتل وجود دارد. بنابراین، نباید قتلی وجود داشته باشد. قتل با کینه توزی و پیش اندیشی است. در عوض ما باید زندگی را تأیید کنیم.

F. سبت [11:02-11:39]

سپس در نهایت، آخرین مورد "S" است، روز سبت را به یاد بیاورید تا آن را مقدس نگه دارید. بنابراین سبت بخشی از ده فرمان است. ده فرمان: هرزنامه های بزرگ LC. آیا می توانید از طریق آن فکر کنید؟ بله آقا، پیتر. (دانشجو): ال سی چیست - (هیلدبرانت): ال سی، کتابخانه کنگره. اوه، بله، این فقط ال سی است. اسپم های بزرگ LC. دروغ گفتن و طمع کردن.

G. شما تثنیه [11:40-13:26]: 6:4ff

شرایط کلی - و بنابراین من می خواهم ده فرمان را بدانید. یکی دیگر از مقررات کلی چیزی است که به آن می گویند شما. قسم می خورم که هر یهودی در جهان این آیات را می داند. اگر یهودی هستید، این یوحنا 3.16 است. تثنیه 6.4 نامیده می شود شما، زیرا اولین کلمه است شما این به معنای "شنیدن" است. «بشنوید، ای اسرائیل، [شما] اسرائیل. آیا برخی از شما می دانید، اگر به یک تیر در اینجا بروید، آیا هر یک از شما به یک خانه یهودی رفته اید و وقتی وارد چهارچوب در می شوید، یک "W" کوچک روی در وجود دارد و می بینید که آنها اینطور و مانند آن می روند. آیا کسی تا به حال به یک خانه یهودی رفته و می بینید که تیرک در را لمس می کند، جایی که چیزی شبیه "W" است. حرف W در عبری این صدای "Sh" است. وقتی به یک خانه یهودی می روید، آنها کمی این حرف "ش" را خواهند داشت. روی در خواهد بود، و این برای یادآوری است که وقتی وارد خانه می شوند به یاد بیاورند چه؟ شما اسرائیل. «بشنوید، ای اسرائیل، خدای ما یهوه است، یهوه یکی است.» بنابراین آنها می روند و آن را لمس می کنند، دستان خود را اینطور می بوسند و وقتی به خانه می روند آنها را خواهید دید. این فقط راه دیگری برای به خاطر سپردن کتاب مقدس است. بنابراین، «بشنو، ای اسرائیل، خدای ما یهوه است» - راستی آیه بعدی بعد از آن چیست؟ «بشنوید، ای اسرائیل، یهوه خدای ماست، یهوه یکی است و شما

خواهید شد» چه؟ "خداوند خدای خود را با تمام دل و ذهن خود دوست بدار،" بنابراین ادامه می یابد. این است فرمان بزرگ "خداوند را به تمام دل دوست بدارید." بنابراین این بخشی از شما.

ح. نهادهای اسرائیل [14:30-13:27]

اکنون، همانطور که 10 فرمان وجود دارد، قوانین بسیار گسترده و اساسی برای جامعه و مسیحیت و یهودیت. یک انتقال بزرگ در حال وقوع است که در آن موسی افسار را به یوشع می دهد. یک انتقال بزرگ وجود خواهد داشت. همانطور که موسی رها می کند، کاری که انجام می دهد راه اندازی موسسات است. موسی اینجا در کوه نبو است. آنها می خواهند به داخل بروند، از رود اردن عبور کنند و به اریحا برسند. موسی نمی تواند از رود اردن عبور کند، بنابراین او در کوه نبو است و به اسرائیل نگاه می کند. کاری که او انجام می دهد این است که موسسات را راه اندازی می کند. به عبارت دیگر، این تقریباً شبیه چیزی است که ما آن را قانون اساسی می نامیم. موسی می گوید وقتی وارد زمین می شوید، این نهادهایی هستند که بر کشور شما حکومت خواهند کرد. بنابراین موسی این نهادها را در شریعت موسی ایجاد کرد.

I. پیامبران [20:56-14:31]

اولین مؤسسه ای که او تأسیس می کند، پیامبران هستند. در فصل 13 می بینیم که موسی در مورد پیامبران چه می گوید. او می گوید: «اگر پیامبری یا کسی که با خواب پیشگویی می کند، در میان شما ظاهر شود و نشانه یا عجایب معجزه آسایی را به شما اعلام کند، و اگر نشانه یا شگفتی که گفته است اتفاق بیفتد». پس آن مرد پیش شما می آید و اعلام می کند که خوابی دیده است و سپس معجزه ای را اعلام می کند و معجزه واقعا اتفاق می افتد، آیا آن مرد پیامبر واقعی است یا دروغین؟ شما هنوز نمی دانید؟ آیا ممکن است، اگر این مرد یک نشانه یا شگفتی معجزه آسا انجام دهد و "این نشانه یا شگفتی معجزه آسا رخ دهد. و او می گوید: "بیایید به دنبال خدایان دیگر برویم." آیا او پیامبر راست است یا دروغین؟ او یک پیامبر دروغین است زیرا آنچه او گفت با کتاب مقدس در تضاد است. آنچه او می گوید با وحی قبلی خدا در تضاد است که می گوید: «به دنبال خدایان دیگر نروید». ده فرمان چه گفت؟ "شما قبل از من خدایان دیگری نخواهید داشت." بنابراین می دانید که آن مرد یک پیامبر دروغین است. چه اتفاقی برای پیامبران دروغین می افتد؟ او می گوید: «یهوه خدای شما را آزمایش می کند تا دریابد که آیا با تمام دل و تمام جان خود از او پیروی خواهید کرد یا خیر. این یهوه خدای شماست که باید از او پیروی کنید، و باید به او احترام بگذارید [یا بترسید]. آن پیامبر یا رویاپرداز باید کشته شود.» موسی به آنها هشدار می دهد که در آینده پیامبرانی وجود خواهند داشت، اما به آنها هشدار داد که برخی از آنها پیامبران دروغین خواهند بود. تفاوت بین پیامبر دروغین و پیامبر واقعی چیست؟ برای هر پیامبر واقعی چند پیامبر دروغین وجود دارد؟ آیا اسرائیل پیامبران واقعی و پیامبران دروغین کمی داشت یا تعداد زیادی پیامبران دروغین و تعداد بسیار کمی از پیامبران واقعی داشتند؟ آیا کسی ایلیا و پیامبران بعل را در کوه کرمل به یاد می آورد؟ 450 پیامبر بعل وجود دارد، یک ایلیا در برابر 450 پیامبر بعل وجود دارد. در اسرائیل اینگونه پیش می رود. اگر بخواهید

خلاصه کنید، پیام پیامبر حقیقی چیست؟ پیامبر دروغین قرار بود چه باشد؟ کشته. اسرائیل با پیامبران دروغین چه کرد؟ آنها پیامبران دروغین را تحسین می کردند. چه کسی را کشتند؟ پیامبران حقیقی. پیام پیامبران حقیقی چه بود، اگر بتوانم پیام پیامبر حقیقی را در یک کلمه خلاصه کنم. این واقعا ناخوشایند است، اما اگر بتوانم آن را در یک کلمه خلاصه کنم، چه کلمه ای خواهد بود؟ شو، "توبه کن." بنابراین پیامبر واقعی برمی خیزد، او می گوید، از مردم "توبه" می کند. مردم چه می کنند؟ قیر را از او بیرون زدند. بنابراین، این پیامبر واقعی است.

اکنون پیامبر دروغین، پیامبران دروغین زیادی وجود دارند و پیامبران دروغین بر اساس کتاب ارمیا چه می گویند؟ "اشکالی ندارد. صلح، عشق، هماهنگی، صلح." پس ارمیا می گوید پیامبران دروغین می گویند، "سلام، صلح وقتی وجود دارد" چه؟ "صلح نیست." آنهایی که همیشه صلح و عشق و همه این چیزهای شگفت انگیز را اعلام می کنند. ارمیا چه می گوید؟ این بچه ها پیامبران دروغین هستند. پیامبر واقعی می گوید: «توبه کنید». بنابراین چیزی که من به آن اشاره می کنم این تضاد بین پیامبران واقعی و دروغین است. اسرائیل پیامبران دروغین زیادی دارد. پیامبران دروغین را تحسین می کردند. پیامبران واقعی آنها در نهایت بسیاری از آنها را کشتند. آیا کسی داستان اشعیا را به یاد دارد؟ اشعیا در حال فرار بود - این شایعه است که در کتاب مقدس نیست، این چیزی است که افسانه ها / سنت ها دارند، اما بخشی از آن از کتاب عبرانیان بیرون می آید - اشعیا از دست پادشاه منسی که واقعا پادشاه بد و بدی بود و این مرد بد بود، فرار می کرد. پس اشعیا فرار می کند و در درختی پنهان می شود. اشعیا در تنه درختی پنهان می شود. و آنچه اتفاق می افتد این است که مردان منسی به او می رسند. ببین که او در درختی است. پس آنها چه کار می کنند؟ آنها یک اره برمی دارند و درخت را از وسط نصف می کنند. کتاب عبرانیان به برخی از آنها اشاره می کند که "تکه تکه شده بودند"، این اشعیا است که کتاب بزرگ اشعیا را نوشت. ببینید از آنجا خارج شویم.

حال متن دیگری که موسی در مورد پیامبر مطرح می کند این است، و این نیز متن خوبی در فصل 18 است. موسی توضیح می دهد که پیامبر چیست و در فصل 18 تا آیه 17 می گوید که در آن می گوید: "امتی که شما را سلب مالکیت می کنند به کسانی که جادو و پیشگویی می کنند گوش می دهند، اما اما شما یهوه خدای شما به شما اجازه نداده است" [شما جادوگر نمی کنید، پیشگویی نمی کنید]. "خداوند خدای شما پیامبری مانند من [موسی] را برخواهد انگیزد." موسی می گوید: «خدا پیامبری مانند من را برمی انگیزد. شما باید به او گوش دهید، برای این آنچه از یهوه خدای خود در حورب خواستید.» سپس آیه 18.

«من پیامبری مانند تو [موسی] را از میان همه برادرانت برمی انگیزم. و من سخنانم را در دهان او خواهم گذاشت.» پیامبر باید چه می کرد؟ پیامبر کلام خدا را در دهانش گذاشت. پس پیامبر چه گفت؟ "خداوند چنین می گوید." این روش کینگ جیمز برای گفتن آن است، "خداوند چنین می گوید" زیرا خدا سخنان خود را در دهان پیامبر قرار داد. پیامبران از طرف خدا سخن می گفتند. این چیزی است که پروفومی یعنی: او از طرف خدا صحبت می کند. او به جای خدا صحبت می کند. موسی می گوید: "خدا پیامبری مانند من را برمی انگیزد." وقتی عیسی می آید آیا کسی به یاد می آورد که یهودیان از عیسی چه پرسیدند. آنها به عیسی گفتند،

"عیسی تو کی هستی؟ آیا شما پیامبر هستید؟" [یوحنا 1: 21، 25] "پیامبر" چیست؟ "پیامبر" کیست؟ پیامبر مستقیماً از اینجا از تثنیه فصل 18 بیرون می آید. خدا به آنها گفت که پیامبری مانند موسی را برمی انگیزد. پس از عیسی پرسیدند: «آیا تو پیامبری هستی که قرار است بیاید یا تو مسیح موعود هستی، آیا پسر داوود هستی؟ شما کی هستید؟ آیا شما پیامبر هستید؟» بنابراین این متن این انتظار را ایجاد می کرد که یهودیان انتظار داشتند که "پیامبر" بیاید و خدا سخنان او را در دهان او بگذارد. آنها از عیسی پرسیدند، "آیا تو پیامبر هستی؟" عیسی چه گفت؟ نه. بنابراین این یک متن جالب در آنجا است.

J. قضات [29:13-20:57]

این دومین نهادی است که موسی در فصل 16 آیه 18 ایجاد می کند. این نهاد دوم است و این نهاد قضاوت است. راستی، آیا موسی پیامبر بود؟ بله، موسی بنده خداوند بود. او پیامبر بزرگ عهد عتیق است. موسی یکی از بهترین ها و بزرگترین ها است. آیا موسی نیز قاضی بود؟ آیا کسی در کتاب اعداد به یاد می آورد که خدا روح را از او گرفت و آن را روی 70 قرار داد. سپس 70 نفر قضاوت کردند زیرا موسی همه مردم را قضاوت می کرد و او فقط از این موضوع سنگین شد.

بنابراین در اینجا او دستور العمل هایی را برای قضات ارائه می دهد. او می گوید که شما قاضی خواهید داشت و در تثنیه فصل 16 آیه 18 این را می گوید: "برای هر یک از قبایل خود در هر شهر قاضی و مأموریت تعیین کنید." آیا عدالت باید محلی باشد؟ هر شهر باید یک قاضی داشته باشد. چرا در هر شهر قاضی می گذارید؟ به طوری که عدالت در دسترس مردم باشد. برای به دست آوردن عدالت لازم نبود 20 مایل بدوید. در مجاورت محلی شما بود. پس او می گوید، "در هر شهری یک قاضی قرار دهید، خدای شما به شما می دهد و آنها باید مردم را منصفانه قضاوت کنند. عدالت را منحرف نکنید و جانبداری نشان ندهید. جز رشوه ندهید." بنابراین نکته مهم برای قاضی این بود که یک قاضی باید منصفانه و با عدالت قضاوت می کرد و از نظر منفی قاضی این بود که رشوه نگیرد. آیا پول و عدالت باید به یکدیگر مرتبط باشند؟ کتاب مقدس چه می گوید؟ آیا پول و عدالت باید به هم مرتبط باشند یا باید ارتباط آنها را قطع کرد؟ در فرهنگ ما، روزی روزگاری من در زندان ایالتی ایندیانا، که یک زندان با حداکثر امنیت است، تدریس می کردم. بچه ها در کلاس نشسته اند و من آمدم و گفتم، "خوب، در آمریکا واقعاً خوب است زیرا در آمریکا نمی توان به قضات رشوه داد." حدس بزنید آن بچه ها در زندان چه کردند؟ آنها به من خندیدند. آنها گفتند، "می خواهید قاضی را بدانید، می خواهید بدانید چقدر؟" حالا ممکن است بگویید که این افراد احتمالاً به این دلیل که رشوه می دادند در زندان هستند. آنچه من می گویم این است: آیا پول و عدالت در آمریکا به هم مرتبط هستند؟ حقیقت صادقانه این است که بگذارید داستانی از یکی از دوستانم برایتان تعریف کنم. او در زندان بود. قرار بود باشد، فکر می کنم برای 15 سال بود. او 8 سال در زندان به سر می برد. او قسم خورد که بی گناه است، کاملاً قسم خورد که بی گناه است. سپس یک وکیل نزد پدر و مادرش آمد و گفت که در ازای 20000 دلار ما یک مشکل فنی داریم که می تواند پسر شما را از زندان بیرون بیاورد. چند نفر

از شما، اگر پدر و مادر بودید، 20000 دلار می پرداخت می کردید تا پسران را از سال ها زندان آزاد کنید. آیا پول را پرداخت می کنید. 20,000؟ بله. به این فکر کنید که پدر و مادران برای فرستادن شما به کالج گوردون چه پولی می پردازند. آنها اینطور ارزان می شوند. بنابراین والدین 20000 دلار را پرداخت کردند و حدس بزنید چه اتفاقی برای وکیل افتاده است. او نزد آنها برمی گردد و می گوید که من تقریباً این پرونده را دریافت کردم اما ما در مسیر اشتباهی حرکت می کنیم. مسیر دیگری پیدا کردم. من به 20,000 دلار دیگر نیاز دارم و می توانم او را بیرون بیاورم. من می توانم این کار را انجام دهم. آنها دومی را به دست آوردند و وقتی دومی تمام شد، او برای بار سوم برگشت و گفت: "من الان آن را گرفتم، 20 هزار نفر دیگر و او را از زندان بیرون می آورم." در مجموع 60,000 دلار بود. سوال، آیا می دانید آن والدین چه کردند؟ آنها بیرون رفتند و وام دوم خانه خود را گرفتند تا پول را دریافت کنند. حدس بزنید چه؟ من در دادگاه بودم. آیا او یک مرد آزاد از آنجا بیرون رفت؟ او یک مرد آزاد از آنجا بیرون رفت. من جدی هستم که وکیل او را مرخص کرد، 60,000 دلار و در سومین تلاش، آن مرد پرونده را کنار گذاشت و او تبرئه شد و او آزاد شد. اگر او مرد فقیری بود، آیا دمش هنوز در زندان بود؟ اما چون پدر و مادرش پول داشتند، آیا توانستند او را از زندان آزاد کنند؟ آیا پول و عدالت به هم مرتبط هستند؟ شما می گوید خوب این درست نیست. نباید اینطور باشد، اما همینطور است. یکی از آهنگ های مورد علاقه من "همینطور است" نام دارد. شما می گوید که این فقط دوست شماست. این دوست من در زندان ایالتی ایندیانا است. از نسل من فقط باید دو حرف بگوییم. آیا پول و عدالت به هم مرتبط هستند، فقط دو حرف: O.J. متأسفم که این نسل من است. آیا پول و عدالت به هم مرتبط هستند؟ اگر شما یک فرد فقیر هستید، آیا دم شما به زندان می رود؟ اگر پول داشته باشید، از زندان آزاد می شوید؟ آیا این رقت انگیز است؟ اگر یک سلبریتی باشید چه اتفاقی می افتد. شما یک سلبریتی هستید و کار اشتباهی انجام می دهید. آیا پاس می گیرید: "اوه، من واقعا منظورم این نبود و همه چیز یک اشتباه بود." بنابراین شما می گوید "اوه، ما واقعا شما را به زندان نمی اندازیم. ما به شما می دهیم، بیا بید ببینیم که آنها به آن "خدمات اجتماعی" چه می گویند. ما دم شما را به زندان نمی اندازیم. شما خدمات اجتماعی دریافت خواهید کرد زیرا شما یک سلبریتی هستید و بهتر از این نمی دانستید. پس ما شما را رها می کنیم، باشه؟" اگر واقعا یک سلبریتی باشید و به خاطر پرونده خود مشهور شوید چه اتفاقی می افتد؟ هنگامی که مشهور شدید، آیا برخی از بهترین وکلای کشور را دریافت خواهید کرد که به دلیل مشهور بودن به دنبال شما هستند؟ برای اینکه شما را از بین ببرند و آنها وکلای مدافع هستند و شما را پیاده می کنند. آیا حتی می توانید - بهتر است حتی آن را نگویم - آیا می توانید حتی از قتل فرار کنید و راه بروید؟ بله! شما یک کتاب در مورد آن می نویسید و یک میلیون دلار درآمد می کنید یا یک فیلم روی آن می سازید و چیزهایی از این قبیل. آیا چیزی در دل شما وجود دارد که به شما بگوید در آمریکا مشکلی در این سیستم قضایی وجود دارد؟ چیزی که من می گویم این است که موسی می گوید که پول و عدالت نباید به هم مرتبط باشند. نباید رشوه داده شود. پول و عدالت نباید به هم مرتبط باشند. به نظر من در فرهنگ ما پول و عدالت به هم مرتبط هستند و باور کنید می

توانم اینجا بایستم و مورد به مورد به شما بگویم - در واقع حتی یکی از آنها برای من اتفاق افتاد و درست در چهره من بود. او فقط به من خندید زیرا می دانست که من به اندازه کافی برای درست کردن آن ندارم زیرا درست کردن آن 10,000 تا 20,000 دلار برای من هزینه دارد. او می دانست که اشتباه می کند اما می دانست که من پول کافی برای استخدام وکیل ندارم، بنابراین او از آن استفاده کرد. آیا او برنده شد؟ بله، خب، همینطور است. بنابراین موسی می گوید که پول و عدالت نباید به هم مرتبط باشند. موسی همچنین می گوید: «شهرهای پناهگاه برپا کنید. بنابراین در کرانه شرقی اینجا در اردن چند شهر و آنجا در کرانه غربی اردن برپا شد. اگر کسی را به طور تصادفی بکشید، فرض کنید با تبر بیرون هستید - این یک مثال کلاسیک است - و ناگهان سر تبر پرواز می کند و به کسی ضربه می زند و کسی را می کشد. به کجا می دوید؟ شما به شهر پناهگاه می دوید. بزرگان شهر پناهگاه بیرون می آیند، در مورد پرونده شما صحبت می کنند و اگر بی گناه باشید می توانید بمانید. انتقام جوی خون - اکنون این انتقام جوی خون کیست؟ اگر کسی شما را بکشد، آیا متوجه می شوید که اعضای خانواده به دنبال شما می آیند و یک انتقام جوی خون از خانواده شخصی که کشته اید وجود خواهد داشت. او به دنبال شما می آمد و شما را می کشت. پس هنگامی که به شهر پناهگاه رفتید. سپس شهر از شما محافظت می کند. اگر در شهر پناهگاه بودی، انتقام جوی خون اجازه نداشت شما را بکشد. حالا چه اتفاقی می افتد اگر کسی را عمدا بکشید و به شهر پناهگاه فرار کنید؟ بزرگان پرونده را بررسی می کنند و اگر بزرگان بگویند که شما آن مرد را عمدا کشته اید، بزرگان شما را به انتقام جوی خون تحویل می دهند. پس این خوب نیست. بنابراین اگر بی گناه نباشید نمی خواهید به این شهرهای پناهگاه بروید. اما اگر بی گناه بودید، می توانستید به شهر پناهگاه بروید و از انتقام گیرنده خون در امان باشید. بنابراین، شهرهای پناهگاه برای اجرای عدالت در اسرائیل بسیار مهم بودند.

K. پادشاهی [35:08-29:14]

اکنون نهاد پادشاهی: در فصل 17 تنبیه قانون پادشاهان را داریم. آیا در زمان موسی پادشاهی در اسرائیل وجود داشت؟ نه. در واقع، شما بچه ها به تازگی کتاب قضاات را خوانده اید. آیا در زمان داوران پادشاهی در اسرائیل وجود داشت؟ "هر کاری را انجام داد که از نظر خود درست بود و وجود داشت،" چه؟ -- "هیچ پادشاهی در اسرائیل وجود نداشت." بنابراین هیچ پادشاهی در اسرائیل وجود ندارد. موسی به آنها می گوید که آنها یک پادشاه خواهند داشت. موسی به آنها می گوید که در تنبیه ۱۷ پادشاهی خواهند داشت. او انتظارات نهادی را از پادشاه تعیین می کند و این چیزی است که او می گوید: "هنگامی که وارد سرزمینی می شوید که خداوندتان به شما می دهد و آن را تصرف کرده اید و در آن ساکن می شوید، و می گویید: بیایید مانند ملت های اطراف خود پادشاهی بر خود داشته باشیم." به هر حال، این دقیقا همان چیزی است که آنها می گویند، شما بچه ها این هفته کتاب سموئیل را خواهید خواند. این دقیقا همان چیزی است که آنها می گویند، "آنها پادشاهی مانند سایر ملت های اطراف ما می خواهند." موسی گفت: «اشکالی ندارد که شما یک پادشاه داشته باشید. شما یک پادشاه خواهید داشت." مطمئن شوید که پادشاهی را که خدایی را انتخاب می کنید بر خود منصوب کنید.» پس خدا در انتخاب

پادشاه دخیل خواهد بود و او باید از برادران خود شما باشد. آیا پادشاه باید یهودی باشد؟ او باید یکی از برادران خود شما باشد. او باید یهودی به دنیا بیاید. «یک خارجی را بالای خود قرار ندهید. کسی که برادر اسرائیلی نیست.»

پادشاه نباید سه کار انجام دهد. اول از همه، موسی می گوید که نباید تعداد زیادی اسب به دست آورد. او نباید اسب ها را تکثیر کند. حالا معامله با تکثیر اسب ها چیست؟ اسب ها در آن روزها چیست؟ ابزار جنگ. او گفت اسب ها را تکثیر نکنید زیرا اگر این کار را انجام دهند اعتماد آنها به چه چیزی خواهد بود؟ آیا توکل آنها به خدا خواهد بود یا اعتماد آنها به اسب هایشان برای جنگ خواهد بود؟ بنابراین او می گوید، اسب ها را تکثیر نکنید. من می خواهم که به من اعتماد کنید، نه به قدرت اسب های خود و سپس به مصر برگردید زیرا مصر یکی از مکان هایی بود که اسب های خود را از آن می آوردند. او می گوید، من نمی خواهم شما به مصر برگردید. شماره دو او می گوید: همسران را تکثیر نکنید. «او نباید همسران زیادی بگیرد وگرنه قلبش گمراه خواهد شد.» آیا می توانید به من پادشاه اسرائیل بگویید که همسران زیادی داشت و قلبش گمراه شده بود؟ سلیمان، یا شولومو. سلیمان 700 همسر و 300 صیغه داشت. برخی می گویند او قرار بود مرد باهوشی باشد. ما به آن خواهیم پرداخت. من در واقع نیمی از عمرم را صرف مطالعه سلیمان کرده ام و آن روایت با سلیمان واقعا جالب است. کنایه و وارونه بودن زیادی در سلیمان وجود دارد. عاقل ترین مرد معلوم می شود که چه چیزی است؟ بله، و بنابراین شما این ارتباط را دریافت می کنید که خرد و حماقت در واقع - در پشت - در واقع می توانند به روشی خاص به هم متصل شوند. اما همسران را تکثیر نکنید زیرا قلب شما را به بیراهه می برد. این دقیقا همان چیزی است که برای سلیمان با 700 همسر و 300 صیغه اش اتفاق افتاد.

سپس، سومین چیزی که قرار نیست آن را ضرب کنید - و این برای عصر ما بسیار مهم است: نقره و طلا را ضرب نکنید. پادشاه نباید مقادیر زیادی نقره و طلا جمع کند. پادشاه نباید از مقام اقتدار خود برای به دست آوردن و جمع آوری طلا و نقره برای خود استفاده کند. آیا مردم باید از موقعیت خود برای جمع آوری ثروت برای خود استفاده کنند؟ موسی می گوید نه، پادشاه نباید ثروت شخصی به دست آورد زیرا پادشاه تمام نقره و طلای خود را از کجا می آورد؟ آیا او آن را از مردم می گیرد؟ پس این موسی است که می گوید: نه، پادشاه باید مقدار زیادی نقره و طلا برای خود تهیه کند. حالا راستی آیا سلیمان طلا و نقره زیادی داشت؟ آیا این هدیه ای از طرف خدا بود؟ بنابراین چیزی که شما سلیمان دارید یک نوع ترکیب جالب در آنجا است، و ما باید بعدا به آن نگاه کنیم. بنابراین، برای پادشاه هیچ اسب تکثیر شده، همسران تکثیر شده، نقره و طلای شخصی چند برابر وجود ندارد. پادشاه نباید این کارها را انجام دهد. حالا پادشاه چه باید بکند؟ این کاری است که او نباید انجام دهد، این سه چیز را ضرب کنید. یک فرمان برای پادشاه وجود داشت. این را در آیه 18 فصل 17 می گوید، "هنگامی که او بر تخت پادشاهی خود می رسد، باید نسخه ای از این شریعت را برای خود در طومار بنویسد." بنابراین خود پادشاه باید یک نسخه دست نویس از قانون تهیه کند. چرا او باید این کار را انجام دهد؟ "... از کاهنان و لایوان گرفته شده است. این است که با او باشد، او باید آن را در تمام روزهای زندگی خود بخواند، تا

بتواند یاد بگیرد که به خداوند خدای خود احترام بگذارد و تمام کلمات این قانون و این احکام را با دقت دنبال کند.» او باید قانون را بنویسد تا قانون را بشناسد و بتواند بر اساس قانون حکومت کند. پس این پادشاه است. آیا اسرائیل قرار بود پادشاه داشته باشد؟ بله. آیا خدا از طریق موسی به آنها گفته است که مانند سایر امتهای پادشاهی خواهند داشت؟ بله. قبل از پادشاه پادشاه آنها چه کسی بود؟ قبل از خود پادشاه، خدا پادشاه آنها بود. اما خدا به آنها می گوید که آنها یک پادشاه انسانی خواهند داشت. او نباید این سه چیز [همسران، اسب، طلا] را ضرب کند. او باید یک کپی از قانون بسازد. چه کسی در نهایت پادشاه بشر بر اسرائیل برای همیشه خواهد بود؟ عیسی پادشاه نهایی اسرائیل خواهد بود. اما عیسی مانند پسر چه کسی خواهد ایستاد؟ به عنوان پادشاه اسرائیل، پسر داوود. داوود پادشاه اسرائیل خواهد بود و عیسی به اصطلاح به عنوان پسر بزرگتر داوود خواهد ایستاد. عیسی پسر داوود، پادشاه اسرائیل است. بنابراین شما متوجه می شوید که این اتفاق در مورد عیسی می افتد.

L. کاهنان و لاویان [36:45-35:09]

کاهنان و لاویان مؤسسه دیگری هستند که موسی در اینجا تأسیس می کند. مشکل کاهنان و لاویان در فصل 18 آیه 2 چیست؟ می گوید: "آنها در میان برادران خود ارثی نخواهند داشت." کاهنان و لاویان هیچ زمینی ندارند. آنها زمینی از خداوند دریافت نکردند. همه قبایل دیگر زمین می گیرند، لاویان نباید زمین داشته باشند، چرا؟ ارث آنها چه بود؟ زمین میراث آنها نبود. متن اینجا می گوید که شما هیچ ارثی در میان برادران آنها دریافت نمی کنید زیرا خداوند میراث آنهاست. بنابراین، میراث کاهنان و لاویان چه بود؟ آنها زمینی را که شهرهای لاوی به دست آوردند به دست نیاوردند. خداوند میراث آنها بود. آیا کاهنان و لاویان در سراسر اسرائیل پراکنده خواهند شد؟ من معتقدم که 48 شهر لاوی در سراسر اسرائیل پراکنده شده اند. بنابراین کاهنان و لاویان در همه جا پراکنده خواهند شد. یکی از وظایف کاهنان و لاویان آموزش شریعت خواهد بود. بنابراین، اینها نهادهای عمده ای هستند که موسی در کوه نبو راه اندازی کرد. او نمی تواند به سرزمین موعود برود، بنابراین این موسسات را زودتر از موعد راه اندازی می کند. آیا می بینید که کتاب تثنیه مانند یک قانون اساسی است؟ ایجاد نهادهایی که دولت را در صدها و صدها سال آینده اداره خواهند کرد. موسی آن را تنظیم می کند و اینها نهادهایی هستند که او ایجاد می کند.

M. قانون و ارتباط مدرن آن [44:14-36:46]

اکنون اینجا است که شروع به مشکل شدن می کند. در تثنیه فصل 22، چگونه شریعت را از آن زمان به قرن بیست و یکم می برید؟ چگونه شریعت موسی را می گیرید و آن را در امروز به کار می برید؟ شریعت موسی چگونه با آن مطابقت دارد؟ از آن زمان، 1200/1400 قبل از میلاد، تا به امروز چگونه پیش می روید؟ چگونه آن را به قرن بیست و یکم پس از میلاد می آورید؟ چگونه آن جهش 3000 ساله را انجام می دهید؟ چگونه از آن زمان تا به امروز می روید؟ بگذارید فقط مثالی از این موضوع بزنم. تثنیه فصل 22، آیه 5، این را در مورد زنان و شلوار می گوید. آیا زنان باید شلوار بپوشند؟ تثنیه 22 آیه 5 این را می گوید: «زن نباید لباس

مردانه بپوشد». شلوار، مردی در خانواده شلوار می پوشد. شلوار لباس مردانه است. زنان نباید لباس مردانه بپوشند، بنابراین زنان نباید شلوار بپوشند. حالا بگذارید مثالی از آن برایتان بزنم. ما از اسرائیل برگشتیم و اولین شغلم را در کالج کتاب مقدس در بریستول، تنسی به دست آوردم. من آن پایین را دوست داشتم. من در طول هفته در مدرسه کار می کردم و سالانه 5,000 دلار در آمد داشتم و 80 ساعت در هفته کار می کردم و این پول زیادی نیست. پس چه کار کردم؟ آخر هفته ها در کلیساهای مختلف موعظه می کردم. همسرم در کالج رشته انگلیسی بود. این کلیسای بزرگ وجود داشت که احتمالاً 2000 عضو داشت و آیا بسیاری از کلیساهای بزرگ مدارس مرتبط با آنها دارند؟ بنابراین این کشیش به مدرسه رفت. شبان این آیه را از کتاب مقدس خواند که می گوید، "زن نباید لباس مردانه بپوشد." او نتیجه گرفت که شلوار لباس مردانه است، بنابراین همه دخترانی که به مدرسه می رفتند باید دامن بپوشند. آنها نمی توانستند شلوار بپوشند. همسرم در آنجا تدریس می کرد. بنابراین این بدان معناست که او باید همیشه دامن بپوشد. حالا همسرم، صادقانه بگویم، اولین سالی که با او قرار گذاشتم، در اوایل دهه 70 بودیم. همه دخترها شلوار جین آبی پوشیده بودند. شلوار جین آبی پوشیده بودم، قبل از ازدواج هرگز او را با لباس ندیدم. بنابراین اکنون او باید هر روز برای کار یک لباس بپوشد و او رشته انگلیسی بود بنابراین آنها او را به تدریس جبر می دادند. او یک رشته انگلیسی جبر بود و در آنجا معلم بدنسازی بود. او یک روز به خانه آمد و گفت که این دختر به پایگاه دوم لغزید. حالا مشکل چیست وقتی به پایه دوم می لغزید و این چیزی به نام کلوت می پوشید. این دختر پاهایش را پاره کرد و همسرم به خانه آمد، فقط سرش را تکان داد و گفت که این دختر تا آخر عمر روی پاهایش جای زخم دارد زیرا شلوار روی سرسره به پایه دوم نداشت. بنابراین همسرم باید همیشه لباس بپوشد و ما حامیان گروه جوانان هستیم. پس ما کاری را انجام می دهیم که مسیحیان خوب انجام می دهند؟ ما بیرون بولینگ می رویم. بنابراین ما گروه جوانان را از بولینگ بیرون آوردیم، همسرم می داند که چگونه به خوبی بولینگ کند و بنابراین همسرم می رود و توپی را می گیرد که به آنجا می دود و توپ را پرتاب می کند. او دامن پوشیده است. ناگهان لباسش مثل بالا می رود و مثل گاو مقدس است - زمان نمایش. ما این بچه های 16 و 17 ساله را اینجا داریم. آن را پایین نگه دارید. شما هیچ نمایش رایگان در اینجا نمی خواهید. بنابراین من به نوعی او را کنار می کشم و این را به او می دهم، می دانید که دیگر نمی توانید اینطور بولینگ کنید، این نکته بسیار آشکار است. بنابراین، سپس همسرم باید بیرون برود و اینگونه بولینگ کند. او بالا می رود و توپ را به پایین پرتاب می کند، من آن روز برنده شدم. اما مشکل این بود که همیشه به او می گفتم که 50 دلار می پردازم تا همسر کشیش را در حال اسکی روی برف با لباس ببینم. آیا این خنده دار نیست؟ او تنبیه 22: 5 را می گرفت و آن را به امروز به کار می برد. حالا آیا روشی که او آن را به کار می برد دیوانه کننده بود؟ بله. فکر می کنم همه ما این را تصدیق می کنیم. کاملاً دیوانه کننده بود. به هر حال، آیا همسرم تمام آن سال دامن پوشید، در واقع دو سال؟ او این کار را کرد. آیا می توانیم در فرهنگ های مختلف جا بیفتیم؟ این فرهنگ متفاوتی از آنچه ما به آن عادت کرده ایم است. بنابراین آنها در این مورد بسیار سختگیر بودند و بنابراین همسرم لباس پوشید.

به همین ترتیب وقتی به یک کلیسای منونیت رفتم و مجبور شدم در روز پدر موعظه کنم و آنها گفتند که منونایت ها کراوات نمی بندند زیرا فکر می کنند کراوات دنیوی است. بنابراین به همین دلیل است که کراوات نمی پوشم. مجبور شدم 22 سال با کراوات دور گلویم تدریس کنم. نمی توانستم تحمل کنم. بنابراین وقتی به اینجا آمدم قسم خوردم که دیگر هرگز آن را نپوشم. اما، نه، وقتی به کلیسای منونایت رفتم، نسخه کینگ جیمز را دریافت کردم زیرا این چیزی بود که آنها پذیرفتند. بنابراین چیزی که من می گویم این است که وقتی شما در فرهنگ های مختلف هستید، وقتی در اسرائیل هستید کیپا روی سرت. وقتی در فرهنگ های مختلف هستید، با آن جا می شوید. بنابراین همسرم به مدت دو سال در آنجا لباس پوشید. می دانید که این مسئله مهمی نیست که اینها چیزهای جزئی هستند، اما ما در مورد نحوه تفسیر شبان کتاب مقدس در آنجا اختلاف نظر داریم. ما با نحوه تفسیر کتاب مقدس در آنجا مخالف بودیم، اما او شبان کلیسا است. شما جا می شوید. حالا چگونه از آن زمان به الان می روید؟ همه ما این حس را داریم که این درست نبود. بگذارید بقیه این آیه را برای شما بخوانم. پس ما می گوئیم این آیه احمقانه است، اما در مورد شلوار صحبت نمی کند. به هر حال، بچه ها در آن زمان چه می پوشیدند؟ آیا می دانیم مردان و زنان در آن زمان چه می پوشیدند؟ آیا ما این را با اطمینان می دانیم؟ پاسخ این است: در تصویر بن حسنی ما عکس های مردم را داریم. زنان تا میج پا روپوش می پوشیدند، پسر ها اینجا روپوش می پوشیدند تا بچه ها دامن می پوشیدند. پس این به چه معناست، آیا همه ما باید درست مثل لباس آنها لباس بپوشیم؟ به همین دلیل است که برای بچه هایی که می گویند، آیا کسی تا به حال این را شنیده است: "کمرت را می بندید؟" اساسا لباس خود را برمی دارید و آن را در کمربند خود می بندید، زیرا وقتی می دوید، نمی خواهید روی این ردای دیوانه وار که می پوشند زمین بخورید. شما آنها را می بندید و مردان اینگونه می دویدند. آیا باید به روشی که آنها لباس می پوشند بپوشیم؟ به هر حال، آیا بخشی از نحوه لباس پوشیدن آنها به دلیل محیطی است که در آن زندگی می کنند؟ بله. ما در محیط متفاوتی زندگی می کنیم، بنابراین لازم نیست به انجام این کارها ادامه دهید. این واقعا در مورد چه چیزی صحبت می کند؟ پس شما می گوئید که این آیه برای ما بی ربط است و فقط آن را دور می اندازید. آیا واقعا به ما مربوط می شود؟ بگذارید این آیه را برای شما بخوانم تا ببینم چگونه آن را به کار می برید. می گوید، "که زنان نباید لباس مردانه بپوشند و مردی نباید لباس زنانه بپوشد، زیرا خداوند خدای شما از هر کسی که این کار را می کند متنفر است." این واقعا در مورد چه چیزی صحبت می کند؟ بله، آیا کاملا واضح است؟ من دوستی در مدرسه دیگری داشتم که در آن تدریس می کردم و او در قسمت های خاصی از بدنش بادکنک می گذاشت و نایلون می پوشید. سپس به مرکز خرید می رفت و در مرکز خرید قدم می زد زیرا از نگاه مردم به او خوشش می آمد. آیا او کمی ... بله او بود. آیا این بیشتر چیزی است که این آیه در مورد آن صحبت می کند؟ این در مورد شلوار در مقابل دامن صحبت نمی کند. پس چگونه می توان از آن زمان به حال رفت؟ این متن در مورد چه چیزی صحبت می کند؟ باید بین جنسیت ها تمایز قائل شود. من فکر می کنم هانا وقتی گفتید شلوار زنانه با شلوار مردانه متفاوت است، درست به آن ضربه زد. بنابراین می دانید که با آن کار می کنید. مسئله واقعی تمایز جنسیت ها

است که آنها به سردرگمی جنسیت ها کمک نمی کنند. به هر حال، ما در آمریکا زندگی می کنیم، آیا همه چیز را اشتباه می گیریم؟ بله، ما به نوعی آن را دوست داریم، درست است؟

N. فرهنگ و قانون [45:22-44:15]

این سوال بزرگتر است و این سوال واقعا مشکل است. فرهنگ چه تاثیری بر قانون دارد؟ وقتی جوان بودم فکر می کردم خدا از کوه سینا فرود آمد و خدا گفت: "من خدا هستم و این قانون من است. این قانون من است، این راهی است که می خواهم انجام شود. این قانون کامل خدا است و همین است." کاملا فرهنگ را نادیده می گیرد، خدا می گوید که من می خواهم این دنیا اینگونه کار کند. آیا خدا در شریعت خود فرهنگ را در نظر می گیرد؟ بنابراین چیزی که من می خواهم در اینجا به شما پیشنهاد کنم این است که تعامل بسیار بیشتری بین فرهنگ و قانون وجود دارد. ما فقط چند نمونه از آن را نشان می دهیم. پادشاه باید خود را درگیر نوشتن قانون و کپی برداری از قانون می کرد. آیا امروز پادشاه داریم؟ نه، ما این کار را نمی کنیم. ما جورج را کنار گذاشتیم، ما پادشاه نداریم و بنابراین پادشاه باید قانون را بنویسد. آیا او قرار است قانونی بنویسد و یک نسخه دستی برای خودش بسازد؟ اکنون او مجبور نیست آن را در بلک بری، آیفون یا آی پد خود داشته باشد.

عیسی و شریعت [51:30-45:23]

دیدگاه مسیح در مورد شریعت چیست؟ بنابراین من می خواهم ابتدا به دیدگاه مسیح در مورد شریعت نگاه کنم و سپس آن را با دیدگاه پولس در مورد شریعت مقایسه کنم و به مسئله قانون و فرهنگ برگردم. عیسی در متی فصل 5 آیه 17 چه گفت؟ عیسی این را می گوید: «گمان نکنید که من آمده ام تا شریعت یا پیامبران را لغو کنم. من نیامده ام که آنها را لغو کنم، اما به چه؟» آنها را برآورده کنید. "من برای لغو قانون نیامده ام بلکه برای انجام آنها آمده ام. حقیقت را به تو می گویم تا آسمان و زمین کوچکترین حرف را ناپدید نکند" که یود حرف "y". نیم حرف است. "یا کوچکترین ضربه قلم" - آیا کسی به یاد می آورد که نسخه کینگ جیمز گفت: "هیچ ذره یا یک تند از قانون عبور نخواهد کرد." تیتل یک سریف است. شما بچه ها فونت های serif در مقابل sans-serif را می شناسید. Arial بدون serif است در حالی که با Times New Roman شما سریف های کوچکی را دیده اید که از حروف T و P خارج می شوند. آنها تیتل ها یا سریف ها را روی خود خواهند داشت. Serif همان چیزی است که به آن تیتل می گویند. این فقط یک بال کوچک است که از حروف خارج می شود. او می گوید تا زمانی که قانون اجرا نشود، کوچکترین حرف یا یک بال از بین نخواهد رفت. عیسی چگونه از خود در برابر شیطان دفاع می کند؟ در متی فصل 4، فقط یک صفحه در اینجا، عیسی در بیابان وسوسه می شود. او 40 روز و 40 شب در بیابان روزه گرفته است. چه کسی می آید تا او را به چالش بکشد؟ شیطان پیش او می آید و می گوید، "هی، عیسی، تو ۴۰ روز است که روزه می گیری، ای عیسی گرسنه؟ تو اینجا سنگی داری، عیسی. چرا این سنگ ها را به نان تبدیل نمی کنی؟» و آیا عیسی می گوید، "شیطان، من می دانم که تو کی هستی، این را تماشا کن. من چشمانم را پلک می زنم و مولکول های شما مانند هر کهکشان می روند. من فقط - بام هستم و تو از اینجا بیرون

هستی.» آیا او انجام داد؟ نه، او این کار را نکرد. عیسی چه گفت: این سنگ ها را به نان تبدیل کرد؟ عیسی گفت، چي؟ "انسان تنها با نان زندگي نمی کند، بلکه با هر کلمه ای که از دهان خدا می آید زندگي می کند." عیسی چه می کند؟ عیسی از تثنيه نقل قول می کند. شیطان گفت: «این سنگ ها را به نان تبدیل کنید. عیسی پاسخ داد: «انسان تنها با نان زندگي نمی کند.» او از تثنيه 4 به تثنيه 8 و آن بخش در آنجا نقل قول می کند. شیطان عیسی را به بالای قله معبد، به بالاترین نقطه معبد می برد و می گوید: «عیسی، خود را به زمین بینداز، زیرا - و آیا شیطان از کتاب مقدس نقل قول می کند؟ شیطان در واقع از کتاب مقدس نقل قول می کند و می گوید، "عیسی خود را به زمین بیندازید. در کتاب مزامیر آمده است که فرشتگانش شما را حمل خواهند کرد. عیسی رو به شیطان می کند و می گوید نه من خودم را به زمین نمی اندازم. با یهوه خدای خود چه نکنید؟ "شما نباید یهوه خدای خود را وسوسه کنید یا وسوسه کنید." این از کجا آمده است؟ کتاب تثنيه. او دوباره از کتاب تثنيه نقل قول می کند که می گوید، "خداوند خدای خود را وسوسه نکنید." سرانجام، شیطان او را به بلندترین کوه احتمالاً کوه حرمون یا تابور می برد. او تمام پادشاهی های جهان را به او نشان می دهد و می گوید: "تعظیم کن و مرا پرستش کن و من تمام این پادشاهی ها را به تو خواهم داد." عیسی چه می گوید؟ "شما باید یهوه خدای خود را پرستش کنید و فقط باید او را پرستش کنید." او از تثنيه فصل 5 - ده فرمان - نقل قول می کند. هر سه بار که عیسی برای دفاع از خود در برابر شیطان می رود، برای دفاع از خود از تثنيه نقل قول می کند. مسیح از کتاب مقدس برای دفاع از خود در برابر شیطان استفاده می کند. سوال: آیا باید از کتاب مقدس برای دفاع از خود در برابر شیطان استفاده کنیم؟ به نظر منطقی است. عیسی از تثنيه هر سه بار در وسوسه مسیح برای دفاع از خود استفاده می کند. آیا عیسی دیدگاه بسیار بالایی نسبت به شریعت داشت؟ وقتی از عیسی پرسیده شد: "مهمترین چیز در شریعت چیست؟" او چه گفت؟ "خداوند خدای خود را با تمام دل دوست بدار." و بعد چه اتفاقی افتاد؟ "همسایه خود را مانند خودت دوست بدار." این دو فرمان بزرگ هستند. اهل کجا هستند؟ "خداوند خدای خود را دوست داشته باشید، این است شما." «بشنوید، ای اسرائیل... شما باید یهوه خدای خود را دوست بدارید» - تثنيه 6.4. دیگری اهل کجاست؟ آیا کسی آن یکی را به یاد می آورد، "همسایه خود را مانند خودت دوست بدار؟" آیا شما بچه ها آن را حفظ کردید؟ فکر کردم از تو خواسته ام آن را حفظ کنی. این لایان فصل 19 است، "همسایه خود را مانند خود دوست بدار." از لایان می آید. بنابراین، بزرگترین فرمان های مسیح از لایان و تثنيه است. در مورد ماندگاری شریعت عیسی می گوید، "آسمان و زمین از بین خواهند رفت" اما چه؟ این قانون، "تا زمانی که همه چیز محقق نشود، حتی یک ذره یا نکته از قانون عبور نخواهد کرد." بنابراین قانون دائمی است. عیسی نیز این را تأیید می کند. حال، آیا عیسی شریعت را نقد می کند؟ برخی از مردم در اینجا به موعظه روی کوه نگاه می کنند و موعظه روی کوه را می توان به روش های مختلف تفسیر کرد. یک ادبیات کامل در مورد موعظه کوه وجود دارد، فقط صدها روش مختلف شگفت انگیز برای درک و موعظه روی کوه. اما یکی از روش های نگاه کردن به آن این است که عیسی می گوید، "شما از زمان های قدیم شنیده اید که گفته شده است،

نکش، اما من به شما می گویم هر که از برادرش بی دلیل خشمگین باشد، قبلا در قلب خود مرتکب قتل شده است." پس عیسی چه می کند؟ عیسی شریعت را می گیرد و آن را به قلب می برد. عیسی شریعت را می گیرد و آن را در قلب به کار می برد. اعتراض او به خود قانون نیست، اما اعتراض او به تفسیر نادرست فریسی از شریعت است. او آن را به قلب می برد. پس او می گوید چه؟ "شنیده اید که گفته می شود مرتکب زنا نشوید." عیسی می گوید، "هر که با شهوت به زنی نگاه کرد، در قلب خود مرتکب زنا شده است." بنابراین عیسی شریعت را با فرو بردن آن به قلب تأیید می کند و می گوید که انگیزه ها در اینجا به حساب می آیند. پس آیا عیسی دیدگاه بسیار بالایی نسبت به شریعت دارد؟ اگر کسی مسیحی باشد، آیا شما دیدگاه بالایی نسبت به شریعت خواهید داشت؟ اگر پیرو مسیح هستید، عیسی دیدگاه بسیار بالایی نسبت به شریعت داشت. این نکته من در اینجا است.

P. پولس و شریعت [57:18-51:31]

حالا پولس چطور؟ پولس اگر به فصل های غلاطیان بروید، پولس این تقابل شریعت و انجیل را در فصل 5، آیه 4 غلاطیان مطرح می کند. من فقط می خواهم این آیه را برای شما بخوانم. آیا پولس در مورد شریعت اینقدر مثبت است؟ پولس می گوید، "شما که سعی می کنید توسط شریعت عادل شمرده شوید، از مسیح بیگانه شده اید." بگذارید دوباره آن را بخوانم. "شما که سعی می کنید توسط شریعت عادل شمرده شوید، از مسیح بیگانه شده اید." به عبارت دیگر، اگر سعی کنید از شریعت برای عادل شمرده شدن استفاده کنید، پس از مسیح بیگانه هستید. بنابراین این تنش بین مسیح و شریعت وجود دارد. اگر از شریعت اینگونه استفاده کنید، از فیض دور شده اید. بنابراین این واقعا یک چیز منفی در قانون است که شریعت در واقع شما را از مسیح دور می کند. بنابراین پولس در کتاب غلاطیان با شریعت مشکل دارد. حالا شما می گوئید آیا پولس در مورد شریعت منفی است؟ و پاسخ "نه" است، زیرا اگر به رومیان فصل 7، آیه 12 بروید، پولس می گوید، "شریعت مقدس، عادل و نیکو است." بنابراین پولس در رومیان می گوید که "شریعت قدوس، عادل و خوب است"، اما در غلاطیان به آنها می گوید که اگر از شریعت برای به دست آوردن نجات خود به این روش استفاده کنند، فیض برای آنها خوب نیست. در واقع آنها را از مسیح دور کرده است. بنابراین این تنش در پولس از نظر شریعت مقدس، عادل و نیکو [رومیان ۷] و این شریعتی که او در غلاطیان درباره آن صحبت می کند، وجود دارد. او کاملا منفی می شود و ماهیت محکوم کننده شریعت را در غلاطیان فصل 3 برجسته می کند. اجازه دهید صفحه را در اینجا به 3.10 برگردانم. می گوید: «همه کسانی که به شریعت توکل می کنند و آن را رعایت می کنند، نفرین می شوند، زیرا نوشته شده است لعنت شده است هر کسی که به انجام همه نوشته شده در کتاب شریعت ادامه نمی دهد.» واضح است که "هیچ در برابر خدا توسط شریعت عادل شمرده نمی شود." چرا؟ «هیچ توسط شریعت عادل شمرده نمی شود، زیرا عادلان با چه چیزی زندگی خواهند کرد؟» - «با ایمان». من می پرسم، آیا کسی می داند که این متن از کجا آمده است، می گوید، "عادلان با ایمان زندگی خواهند کرد." این یک مفهوم نسبتا مهم در کتاب مقدس است. "درستکاران با ایمان زندگی خواهند کرد." این یک نقل قول از عهد عتیق است. آیا کسی کتاب حقوق را می

شناسد؟ مطمئناً در کتاب حقوق آمده است. حقوق یک کتاب کوچک فوق العاده است، اگر تا به حال کمی وقت داشته باشید، کوتاه است، حدود سه فصل. این کتاب فوق العاده است و در آن کتاب می گوید، "درستکاران با ایمان زندگی خواهند کرد." پولس می گوید شریعت هرگز کسی را توجیه نکرد. بگذارید بخوانم که رومیان 4.3، در اینجا با رومیان 4.3 مقایسه می شود. پولس این را می گوید، «کتاب مقدس چه می گوید؟ ابراهیم، شریعت را حفظ کرد. او ختنه شد و سپس خدا آن را به عنوان عدالت به حساب آورد." آیا این چیزی است که می گوید؟ می گوید: "ابراهیم به خدا ایمان آورد و این به خاطر عدالت به او نسبت داده شده است." حالا چرا پولس درخشان است؟ پل در اینجا کاملاً درخشان است. چرا استفاده او از ابراهیم کاملاً درخشان است؟ آیا ابراهیم قبل از شریعت است یا بعد از شریعت؟ ابراهیم صدها سال قبل از شریعت است. آیا ابراهیم بزرگ ختنه است؟ آیا ابراهیم کسی بود که عهده را داشت که با ختنه شدن و تشریفات خود برقرار شد؟ حال، ابراهیم سپس معرفی می کند که ختنه بزرگ است - آیا ابراهیم با حفظ شریعت نجات یافت یا با ختنه شدن؟ نه. کتاب مقدس به وضوح به ما می گوید که ابراهیم با چه چیزی عادل شمرده شد؟ بگذارید دوباره آن را بخوانم، این واقعا مهم است. "ابراهیم به خدا ایمان آورد و این برای او به خاطر عدالت به حساب آمد." پس پولس به ابراهیم باز می گردد زیرا آیا همه یهودیان ادعا می کنند که ابراهیم پدر آنهاست؟ مثل این است که پدر ما / ابراهیم. بنابراین کاری که او انجام می دهد این است که قبل از موسی نزد ابراهیم برمی گردد و می گوید ابراهیم با ایمان نجات یافت بنابراین شما نیز با ایمان نجات می یابید، نه با نگه داشتن شریعت. منظور از قانون است، و این مشکل اساسی است، آیا قانون قرار است به ما نشان دهد که چقدر خوب هستیم؟ قانون قرار است به ما نشان دهد چه؟ گناه ما. اتفاقی که افتاد این است که فریسیان شریعت را گرفتند و آیا آن را برگرداندند؟ از شریعت برای نشان دادن اینکه چقدر خوب هستند به دیگران استفاده می شد، نه برای نشان دادن گناهشان. چیزی که پولس می گوید این است: "نه، نه، شما همه چیز را اشتباه می فهمید. هدف شریعت این بود که گناهان را به ما نشان دهد، نه اینکه به ما نشان دهد که چقدر خوب هستیم." شریعت گناهان ما را به ما نشان می دهد تا به چه کسی روی بیاوریم؟ مسیح، به عنوان نجات دهنده. این وظیفه قانون است. خدا ما را انتخاب کرد، ما گناهکار هستیم و به یک نجات دهنده نیاز داریم و این پایه و اساس شریعت است. قانون کارکرد آموزشی دارد. قانون یک مربی است، قانون یک "مدیر مدرسه" است که فکر می کنم نسخه کینگ جیمز آن را می گوید. شریعت یک مدیر مدرسه است که ما را به مسیح می رساند. شریعت ما را نزد مسیح می آورد زیرا ما به گناه خود پی می بریم و متوجه می شویم که به یک نجات دهنده نیاز داریم. پس شریعت ما را طوری تنظیم کرده است که ما را نزد مسیح بیاوریم تا خطاهای خودمان را به ما نشان دهد، گناه خودمان را به ما نشان دهد تا به مسیح روی بیاوریم. پس این وظیفه قانون است. وظیفه شریعت این است که گناهانمان را به ما نشان دهد، نه اینکه نشان دهد که ما عادل هستیم.

Q. قانون مدنی [60:33-57:19]

چه چیزی هنوز پابرجاست؟ بگذارید از شما بخواهم که قانون را اینگونه مفهوم سازی کنید: این چیزی

است که در دوران بزرگ شدن به من آموختند. من فکر می‌کنم مفید است و شما خواهید دید که من در یک دقیقه آن را نقد می‌کنم، اما فقط به این فکر کنید. مردم شریعت پنج کتاب موسی را می‌گیرند و می‌گویند بخش‌های خاصی از شریعت موسی قوانین مدنی است. آنها قوانین مدنی هستند، آنها قوانینی برای دولت هستند. آیا به قانون نیاز دارید - آیا دولت به قانون نیاز دارد؟ یک دولت به قوانین نیاز دارد، مگر اینکه شما یک آنارشیست یا چیزی شبیه به آن باشید. به عنوان مثال، یکی از قوانینی که اسرائیل داشت این بود که اگر شما خانه‌ای دارید و سقف مسطح دارید، بیشتر خانه‌های آنها سقف مسطح دارند، که شما یک دیوار و یک دیوار کوچک در اطراف سقف خانه خود قرار دهید. حالا چرا این کار را می‌کنید؟ بله، بنابراین اگر شخصی آنجا باشد، فقط راه نمی‌رود و از پشت بام شما می‌افتد و به خود آسیب می‌رساند. بنابراین قانون شما را ملزم می‌کرد که یک دیوار در اطراف سقف خانه خود قرار دهید. به هر حال، آیا می‌بینید که این یک الزام ایمنی است که یک ملت ممکن است بخواهد تا مردم آسیب نبینند. آیا اکنون اینقدر دور از ذهن است؟ چند نفر از شما یک نرده در اطراف سقف خود قرار داده‌اید؟ حالا شما می‌گویید که ما در نیوانگلند زندگی می‌کنیم، همه سقف‌های ما شیب دار است. چرا اینقدر شیب دار هستند؟ باران می‌بارد و گاهی اوقات چه چیزی بدتر از باران است؟ برف از پشت بام شما می‌رود. اگر سقف مسطحی در نیوانگلند دارید، مشکلی دارید، فقط به فرست هال نگاه کنید. بنابراین آنچه شما می‌خواهید شیب دار است. آیا ما به نرده‌های اطراف سقف خود نیاز داریم؟ هیچ یک از شما برای میانجیگری روی پشت بام خود بالا نمی‌روید، اینطور نیست؟ در واقع، من در بالای سقفم بوده‌ام، یک سقف شیب دار واقعا دارم که حدود 50 فوت آن بالا است و درست در بالای قله نشسته‌ام - در واقع بعد از اینکه تک آهنگ هایم منفجر شدند، روی زونا می‌خکوب می‌شدم. بنابراین مجبور شدم آن را وارونه می‌خکوب کنم. کسی آنجا نبود که به من کمک کند و متوجه شدم که اگر زمین بخورم، یکی از معدود دفعاتی در زندگی‌ام است که معمولا از ارتفاع نمی‌ترسم. متوجه شدم که پسرانم در اطراف نیستند، بنابراین اگر زمین می‌خوردم، کسی نبود که به من کمک کند. در این سن از زندگی‌ام برای من چیز متفاوتی بود. من الان دو بار به ارتفاع فکر می‌کنم که منجر کننده است. حالا قانون مدنی، حالا اجازه دهید به این موضوع برگردم. من همسایه دارم، در مورد این نرده در اطراف پشت بام چطور؟ ما گفتیم که سقف‌های مسطح نداریم، همه آنها اکنون شیب دار هستند. همسایه من که استخر دارد چطور؟ آیا او باید برای محافظت از حیاط خود حصار بگذارد تا بچه‌ها راه نروند و در استخر نیفتند؟ آیا این تقریبا همان قانون برای محافظت از مردم در برابر آسیب است. به عنوان یک صاحب خانه، آیا شما مسئول هستید که مطمئن شوید مردم در اموال شما آسیب نمی‌بینند؟ بنابراین آنها امروز یک حصار در اطراف استخرها قرار داده‌اند و این بسیار شبیه به همان نوع قانون است. بنابراین قوانین مدنی وجود دارد. قوانین مدنی برای دولت وجود دارد. حالا سوال: آیا شما دولت هستید؟ آیا از آن قوانین پیروی می‌کنید؟ ما واقعا دولتی نیستیم که اسرائیل بود.

یهودیان همچنین قوانین تشریفاتی داشتند. قوانین تشریفاتی چیست؟ قوانین کاهنان و لویان. اینگونه قربانی می کنید و جشن ها را چگونه انجام می دهید. کلمه ای که برای آیین ها استفاده می کردیم، در انگلیسی از این کلمه "rituals" استفاده می کردیم. این آیین ها در قانون تجویز شده است. آیین هایی را که کشیش ها طی می کنند مشخص می کرد. کلمه دیگری که ما در محافل عهد عتیق استفاده کردیم چه بود، این کلمه واقعا مهمی است که باید بدانیم. به تشریفات یا آیین چه می گوئیم؟ "فرقه". در عهد عتیق، به یاد داشته باشید که ما از کلمه "فرقه" استفاده می کنیم. فرقه این اعمال عبادی بیرونی است، آیینی که شما انجام می دهید و می توان آنها را "قانون تشریفاتی" نامید. حالا برسید که چند نفر از شما اخیرا چیزی را قربانی کرده اید؟ منظورم قربانی واقعی گوسفند و بز است. آیا دیگر این قوانین تشریفاتی را انجام می دهیم؟ آیا ما کاهنان و لویان هستیم؟ آیا معبد از بین رفته است؟ معبد از بین رفته است، محراب از بین رفته است، بنابراین ما آن قوانین تشریفاتی را انجام نمی دهیم. بنابراین قوانین مدنی قوانین دولتی هستند و ما واقعا یک دولت یا ملت مانند اسرائیل نیستیم. این مراسم مربوط به کشیش ها و قربانی های آنها است.

S. قانون اخلاقی [63:01-61:49]

پس روی چه چیزی تمرکز کنیم؟ در عهد عتیق ما بر قانون اخلاقی تمرکز می کنیم. اکنون بخش های خاصی از شریعت عهد عتیق وجود دارد که اخلاقی هستند، مانند "نکش، دزدی مکن، و دروغ مگویی." آیا این احکام اخلاقی - "تو نباید قتل کنی، نباید زنا کنی" از این قبیل چیزها هستند؟ بنابراین آنچه در اینجا اتفاق می افتد این است که بسیاری از مردم قانون را به سه دسته تقسیم می کنند. آیا این قانون مدنی است، آیا این قانون تشریفاتی است یا این قانون اخلاقی است؟ سپس وقتی پیشنهاد این است که ما لزوما این دو مورد اول را حفظ نمی کنیم، بلکه قانون سوم، قانون اخلاقی خدا - خداوند خدای خود را با تمام وجود دوست داشته باشید، همسایه خود را مانند خود دوست داشته باشید - ما قانون اخلاقی را حفظ می کنیم. بنابراین این چیزی است که در آنجا مهم است. بنابراین ما قانون را تقسیم می کنیم و سپس چگونه قانون را منتقل می کنیم؟ ما فقط بخش اخلاقی آن قانون را منتقل می کنیم. پس آیا این منطقی است؟ آیا این امر رسیدگی به قانون را آسان تر می کند؟ ما قانون مدنی داریم که برای ملت ها است، اما ما ملت نیستیم. قانون تشریفاتی برای کشیشان، اما ما کشیش نیستیم. و قانون اخلاقی که ما از آن پیروی می کنیم.

ت. نقد تمایز قانون مدنی، تشریفاتی و اخلاقی [65:20-63:02]

حالا بگذارید کمی آن را نقد کنم. مشکل من با این موضوع این است که چگونه می توان تعیین کرد که آیا یک قانون قانون مدنی، تشریفاتی یا اخلاقی است؟ گاهی اوقات قوانین تشریفاتی با قوانین اخلاقی مرتبط هستند؟ آیا کتاب شریعت، پنج کتاب اول موسی کتاب مقدس، به عنوان یک کل ارگانیک به ما می رسد؟ به طور ارگانیک به ما متصل می شود. شما فقط نمی توانید چیزها را پاره کنید و آنها را در دسته هایی مانند آن قرار دهید. وقتی شروع به تکه تکه کردن آن می کنید و می گوئید خوب این مدنی است، این تشریفاتی است و این اخلاقی است. شما

قانون را کالبد شکافی می کنید. شما نمی توانید این کار را انجام دهید. موضوع اخلاقی است. حالا انجام این کار غیر اخلاقی است. شما نمی توانید چیزها را اینگونه از هم جدا کنید. آیا قرار دادن یک نرده در اطراف دیوار شما یک مسئله اخلاقی است؟ بله، در واقع به همان اندازه که کسی صاحب خانه است، بخشی از مسئولیت شماست. این تا حدی مدنی است اما تا حدی اخلاقی نیز هست. بنابراین چیزی که من پیشنهاد می کنم این است که این طبقه بندی در اینجا ارتباط ارگانیک، وحدت ارگانیک، تعامل با کتاب مقدس با خودش را نقض می کند. در حالی که من این دسته بندی ها را دوست دارم و احساس می کنم مفید هستند، اما فکر می کنم باید در کالبد شکافی قانون مراقب باشید. بنابراین صادقانه بگویم با شما من برخی از ایده های این را دوست دارم، اما شما باید مراقب باشید و به جای اینکه مدنی، تشریفاتی و اخلاقی را به عنوان سه ظرف جداگانه که وحدت ارگانیک خود را نادیده می گیرند، ببینید، از برخی آن عقب نشینی کنید. حالا این راه بهتری است که من برای رسیدن به این مسئله حقوقی فکر می کنم. اصل جهانی زیربنایی چیست؟ به عنوان مثال، مراقبت از فقرا. آیا مراقبت از فقرا در عهد عتیق خوب است؟ آیا مراقبت از فقرا در عهد جدید خوب است؟ بله. و بنابراین شما این اصول جهانی تر را دریافت می کنید. خدا را دوست داشته باشید، مقدس باشید زیرا من یهوه خدای شما مقدس هستم، آیا اینها اصول جهانی هستند؟ بنابراین کاری که شما انجام می دهید این است که به آن اصول جهانی نگاه می کنید که فرافرهنگی هستند. آنها فراتر از فرهنگ هستند و در هر فرهنگی کار می کنند و هر فرهنگی آن را به طور متفاوتی نشان می دهد، اما اساسا این اصل اساسی است که در هر فرهنگی کار می کند.

U. جزئیات مجدد فرهنگی [66:52-65:21]

مجددسازی فرهنگی - حالا منظور من از مشخصه سازی مجدد فرهنگی چیست؟ آیا امروز با پرستش بعل دست و پنجه نرم می کنیم؟ آیا واقعا کسی با بعل دست و پنجه نرم می کند؟ می دانید که در عهد عتیق قرار نبود بعل را پرستش کنند. ما حتی دیگر نمی دانیم بعل کیست. ما دیگر قربانی گوسفند، بز یا غلات نمی کنیم. آیا ما پاک و ناپاک عمل می کنیم؟ نه، ما واقعا دیگر این کار را نمی کنیم. آیا محراب آنها باید به روش خاصی ساخته می شد؟ بله، محراب های یهودی قرار بود بر خلاف محراب های کنعانی که از سنگ تراش خورده ساخته شده بودند، از سنگ تراش نخورده ساخته شوند. ما دیگر محراب نمی سازیم بنابراین این قوانین واقعا در مورد ما صدق نمی کند. اما پس از آن باید بپرسید: آیا می توانید به زیر جزئیات فرهنگی به یک اصل اساسی جهانی بروید؟ آیا می توانید خاص فرهنگی را بردارید و اصل جهانی زیربنایی را پیدا کنید؟ این مورد در مورد پرستش بعل صدق می کند. آیا این به بت پرستی و هر شکلی که در فرهنگ شما اتفاق می افتد ربطی دارد؟ قربانی ها را می توان به عنوان مرگ عیسی مسیح برای گناهان ما و درک و اعتراف به گناهان درک کرد. بنابراین چیزی که من پیشنهاد می کنم این است که هر قانون در عهد عتیق از فرهنگی ناشی می شود که شما باید برخی چیزها را بیرون بکشید - جزئیات فرهنگی و نگاه کردن به اصل زیربنایی.

V. عیسی، شریعت و فرهنگ [72:24-66:53]

حالا بگذارید این کار را کمی بیشتر انجام دهم - پس کلید این اصل اساسی است نه خاص فرهنگی. فکر می‌کنم عیسی در موعظه روی کوه الگویی از این موضوع ارائه می‌دهد. عیسی می‌گوید اگر از برادران در قلبتان خشمگین هستید، نمی‌دانید که قبلاً در قلبتان مرتکب قتل شده‌اید. بنابراین عیسی اساساً شریعت را می‌گیرد و آن را به قلب می‌برد. بنابراین، چیزی که من پیشنهاد می‌کنم این است که ما باید با اصولی کار کنیم که زیربنای جزئیات فرهنگی است. حالا می‌خواهم یک قدم دیگر بردارم و این قدم بعدی، در واقع چند سال پیش کشف کردم و این دشوار است. آیا خدا وقتی شریعت را صادر کرد، خود را با فرهنگ تطبیق داد؟ به عبارت دیگر، من در ابتدا فکر می‌کردم وقتی او به کوه سینا آمد، قانون کامل خود را ارائه داد که قرار است در بهشت اینگونه باشد. این عالی است و این روشی است که قرار است اجرا شود. اما بعد به بیانیه‌ای در عهد جدید برخوردم که عیسی در متی فصل ۱۹ آیه ۸ بیان می‌کند. بگذارید این را برای شما بخوانم، فکر می‌کنم نگاه من به قانون را تغییر داده است. سوال در مورد طلاق است و فریسیان این را می‌گویند: «پس چرا موسی دستور داد که مردی به همسرش گواهی طلاق بدهد و او را بفرستد؟» آیا موسی اجازه طلاق داد؟ تنبیه فصل 24، موسی به مرد اجازه می‌دهد تا همسرش را طلاق دهد. سوال آیا این عالی است؟ آیا این یک دنیای کامل است؟ موسی اجازه طلاق را می‌دهد. خدا در مورد طلاق در ملاکی چه می‌گوید؟ خدا می‌گوید، "من از طلاق متنفرم." آیا این کاملاً واضح است؟ او می‌گوید: "من از طلاق متنفرم." کاملاً واضح است که خدا در مورد آن چه فکر می‌کند. او از آن متنفر است. شما می‌گویید خوب اگر خدا در ملاکی از آن متنفر است، چرا موسی در تنبیه فصل 24 اجازه آن را داد؟ عیسی در اینجا به ما می‌گوید چرا؛ آیا عیسی دلیل شریعت را می‌داند؟ بله، عیسی آنجا بود. پس عیسی این را می‌گوید، "موسی به شما اجازه داد که زنان خود را طلاق دهید" چرا؟ "چون قلب شما سخت بود." آیا خدا شریعت خود را به دلیل سختی قلب این افراد تطبیق داد؟ بله. او پایین نمی‌آید و نمی‌گوید این قانون کامل است، شما بچه‌ها باید این کار را انجام دهید. او می‌گوید، "نه، آن قانون کامل با این افراد کار نمی‌کند زیرا آنها بسیار فاسد هستند." حالا این به چه معناست؟ سالها پیش من این متن را تدریس می‌کردم و در یک کالج کوچک در غرب میانه به نام کالج گریس بودم. من این متن را مرور کردم و گفتم آیا می‌دانید منظور عیسی در اینجا این است که اگر نتوانید همسران را طلاق دهید، مردان با همسران خود چه می‌کنند؟ تا زمانی که مرگ ما را از هم جدا کند. ما قول داده‌ایم و بنابراین اگر مردان نتوانند همسران خود را طلاق دهند، با این حال از همسران متنفرند و می‌خواهند از شر او خلاص شوند، چه خواهند کرد، پس چه خواهند کرد؟ آنها همسران را می‌کشند. آنها همسران را می‌کشند تا از ازدواج خارج شوند. بنابراین من می‌روم و در مورد این صحبت می‌کنم: حتی در آمریکا آیا برخی از بچه‌ها همسرانشان را می‌کشند تا از شر آنها در آمریکا خلاص شوند؟ بنابراین من اینطور می‌روم و این خانم بعد از آن به سمت من می‌آید - احتمالاً یک زن 35 ساله - به سمت من می‌آید و می‌گوید: "چه کسی به شما گفته است؟ شما قرار نیست بدانید. هیچ در اینجا قرار نیست بدانند. از کجا فهمیدی؟" او در حال پارانوئید و مشکوک شدن است. گفتم: "خانم، من همین الان این مثال را ساختم که این مرد همسرش را

کشت – من به چیز خاصی اشاره نکردم." او می گوید: "نه، نه تو در مورد من صحبت می کردی. شما فقط کل وضعیت من را بیان کردید. چه کسی به شما گفته است؟» اساسا اتفاقی که افتاده بود این بود که این خانم اهل کلرادو بود - این سال ها پیش است که حالا مهم نیست - او اهل کلرادو بود. شوهرش به او ضربه زد. فراموش کردم که چه بود، 10,000 دلار یا هر چیز دیگری. او متوجه شد که شوهرش به کسی پول داده است تا او را بکشد. او از این موضوع مطلع شد، بنابراین بچه ها را برد و به ایندیانا فرار کرد. ما این مکان ها را داشتیم، فکر می کنم به آنها "خانه های امن" می گویند که زنان می توانند با خانواده خود بروند و از آنها محافظت شوند. بنابراین او در خانه ای امن پنهان شد و قرار نبود هیچ بداند او کجا زندگی می کند یا چه اتفاقی افتاده است. او در حال گذراندن دوره ای در یک کالج بود و سعی می کرد تحصیلات خود را به دست آورد. آیا شوهرش برای کشتن او پول پرداخت کرده است؟ بله، و او از آن فرار می کرد. بنابراین من می گویم حتی تا به امروز شما این را دریافت می کنید. عیسی می گوید، "به خاطر سختی قلب آنها." آیا خدا شریعت خود را به این دلیل تطبیق داد که قلب این افراد بسیار سخت بود؟ او نمی خواست این زنان کشته شوند و بنابراین گفت: "هی، باشه، شما می توانید طلاق بگیرید که من از آن متنفرم." آیا طبق شریعت آیا طلاق اراده کامل خدا است؟ خدا می گوید که از طلاق متنفر است، اما آنچه را که از آن متنفر بود اجازه می دهد زیرا نمی خواست این افراد کشته شوند. بنابراین چیزی که من می گویم این است که خدا با فرهنگ سازگار شده است. بنابراین باید مراقب باشید اگر فقط بگویید که خدا نازل شد و قانون کامل خود را داد - این چیزی است که قرار است در بهشت باشد. نه، خدا گفت این افراد آنقدر گناهکار هستند که من باید با این کار سازگار شوم وگرنه آنها همدیگر را خواهند کشت. آیا می بینید که چگونه نگاه شما به قانون را تغییر می دهد؟ گاهی اوقات به دلیل سختی قلبتان قانون طلاق دارید.

W. تداوم متعارف یا برخورد [76:22-72:25]

در اینجا چیز دیگری وجود دارد که من با آن کار می کنم: تداوم متعارف یا برخورد متعارف. آیا بخش های خاصی از کتاب مقدس می گوید که اگر خرچنگ بخورم، با وجود اینکه نجس است، اشکالی ندارد؟ گربه ماهی: تمیز یا ناپاک؟ ناپاک. آیا یهودیان تمایز واقعی بین پاک و ناپاک داشتند؟ اما در عهد جدید، آیا عیسی در یک رویا به پطرس می گوید که بلند شود و غذا بخورد؟ همه چیز تمیز است. پطرس می گوید، "نه، عیسی، من نمی توانم این کار را انجام دهم زیرا دهان من هرگز چیز ناپاک نداشته است"، در اعمال رسولان فصل 15. و خدا می گوید، "برخیز و بخور، آنچه را که من پاک خوانده ام ناپاک نخوان." به پطرس گفته شده است که همه این چیزهای غیر کوشر را در عهد جدید بخورد زیرا خدا سعی می کند نشان دهد که قوانین حلال اکنون تصویب شده است. اگر مسیحی هستید، آیا باید حلال بخورید؟ پاسخ این است که نه. اعمال رسولان فصل 15 به ما می گوید که ما به عنوان مسیحیان مجبور نیستیم حلال بخوریم. بنابراین برخی از قوانین تغییر می کند و این درگیری های متعارف وجود دارد. عهد عتیق این کار را به این شکل انجام داد و در عهد جدید، ما این کار را به این شکل انجام نمی دهیم و بنابراین بین آنها درگیری وجود دارد. وقتی آن درگیری ها را می بینید، می دانید چه؟ آیا این بخشی

از قانون فرهنگی است؟ آیا برای آن فرهنگ بود و نه برای فرهنگ ما؟ بنابراین وقتی برخورد را می بینید، می توانید این واگرایی ها را در فرهنگ ببینید. فرهنگ تغییر کرده است و بنابراین قانون باید تغییر کند. چیزی که می خواهم بگویم این است که قانون از بین نمی رود. کارکرد آن قانون چه بود؟ کارکرد قانون در خوردن غذای حلال این بود که یک فرهنگ قومی - چگونه باید بگویم - برای مردم یهود نشان می دهد که آنها بخشی از جامعه یهودی هستند. آنچه اکنون اتفاق می افتد مرگ قوم یهود نیست، بلکه در واقع در حال گسترش است زیرا اکنون غیریهودیان در آن گنجانده شده اند. به عبارت دیگر، شما دیگر به این شناسه های قومی فرهنگی نیاز ندارید زیرا کلیسا اکنون کل جهان است. بنابراین آنقدر از بین نمی رود که گسترش یابد و منفجر شود. گسترش به یک معنا، با گسترش آن برآورده می شود. نه آنطور که شما می گوئید "درگذشت" به این معنی است که قانون نقض می شود. قانون هنوز خوب است. هدف خود را برآورده کرده است. هدف آن شناسایی مردم یهود بود و اکنون باید جای خود را بدهد زیرا این انحصار قومی در حال فروپاشی است. از بین نمی رود. بنابراین من می گویم که گسترش می یابد و به چیزهای بزرگتر می رود. این به روشی جامع تر و به روشی گسترده تر انجام می شود. بنابراین اینطور نیست که الان بد باشد - نه، نه. جای خود را داشت، زمان خود را داشت و اکنون در واقع هنوز مکان و زمان خود را دارد، اما در واقع اکنون در حال منفجر شدن است. جامع تر می شود. قانون - مواردی وجود دارد که تغییر می کند، مانند قوانین رژیم غذایی واقعا روشن است زیرا اعمال آن را واقعا روشن می کند. ما مجبور نیستیم حلال بخوریم. بنابراین تداوم وجود دارد و ناپیوستگی وجود دارد. بین عهد عتیق و عهد جدید، تداوم وجود دارد، اما جنبه هایی از ناپیوستگی نیز وجود دارد. ناپیوستگی اغلب در این تحقق به بزرگتری که در راه است خواهد بود. بنابراین در اینجا کوچکتر بود و وقتی وارد کلیسا شدیم گسترش می یابد و جامع تر می شود.

X. قانون استفاده های خوب و بد [78:10-76:23]

آیا قانون خوب است یا بد؟ خوب، اگر قانون شما را به سمت قانون گرایی سوق دهد، قانون بد است. اگر آنها در عملکرد امنیت پیدا کنند، شریعت بد است زیرا شما در شریعت ایمن می شوید، نه در ایمان خود به مسیح. خارجی سازی مذهب - اگر کسی قانون و قانون را حفظ کند، به آنها نشانگرهای خارجی می دهد که شما مذهبی هستید، زیرا شما این نشانگرهای خارجی را دارید که باز هم کارکرد قانون نیستند. اگر قانون شما را به این سمت سوق دهد که احساس خوبی نسبت به خودتان داشته باشید تا شروع به محکوم کردن دیگران کنید زیرا دیگران قانون را رعایت نمی کنند و شما قانون را رعایت می کنید و شروع به نگاه کردن به پایین بینی خود می کنید و دیگران را محکوم می کنید، این وظیفه قانون نیز نیست. بنابراین قانون می تواند از این نظر بد باشد. این می تواند شما را به این حس برساند که من بهتر از دیگران هستم و تا حد زیادی شما را به سمت غرور سوق می دهد. آیا بهتر نیست بگوئیم که در آن شرایط مورد سوء استفاده قرار می گیرد زیرا قانون همیشه درست است. بله، من می خواهم این کار را به این روش انجام دهم، بنابراین ما این کار را به این روش انجام خواهیم داد. بنابراین شریعت می تواند برخی را به غرور برساند که شخصی که شریعت را می پذیرد و اجازه می دهد آنها را به غرور سوق

دهد و نجات خود را به دست آورد. یک شخص می تواند شریعت را بگیرد و بگوید اگر من شریعت را رعایت کنم، می توانم نجات خود را به دست آورم. اگر آن شخص معتقد باشد که نجات خود را به دست می آورد، آیا شما به فیض متکی هستید؟ بنابراین قانون می تواند این کارکردهای مختلف را داشته باشد و حتی اصطلاح "قانون" به روش های مختلف استفاده می شود. اینها برخی از راه های منفی هستند که می توان از قانون سوء تعبیر و سوء استفاده کرد.

۷. سوء استفاده از فیض [80:23-78:11]

حالا فیض چطور؟ شما گفتید که بسیار عالی از لطف صحبت می کنید. در مورد فیض چطور؟ فیض خوب است یا بد؟ فضل می تواند منجر به مجوز شود. یک نفر می تواند بگوید، "خدا مرا می بخشد تا بتوانم بیرون بروم و این کارهای بد را انجام دهم که می دانم نباید انجام دهم و بگویم: "خدا مرا خواهد بخشید." بنابراین، فیض در واقع به وسوسه گناه تبدیل می شود، زیرا فکر می کنید خدا شما را خواهد بخشید. پولس می گوید فیض خوب است، اما اگر فیض شما را به گناه سوق دهد، خدای ناکرده پولس این را می گوید. این ذهنیت که من می توانم هر کاری انجام دهم و بخشیده می شوم می تواند مشکل ساز باشد. اگر شخصی این طرز فکر را داشته باشد که من می توانم هر کاری انجام دهم و بخشیده می شوم، فیض شما را به مسیر اشتباه هدایت می کند. بنابراین فیض این جنبه منفی را نیز دارد. این یکی بزرگ است - ارزش گذاری گناه. فکر می کنم این در واقع یک مشکل بزرگ در فرهنگ ما است. فرهنگ ما لطف را تحت فشار قرار می دهد. این امر منجر به قطع ارتباط بین عمل و پیامد شده است. این یکی از بزرگترین چیزها در فرهنگ ما است که بسیاری از جوانان را به جای اینکه به آنها اجازه دهد به سمت خرد حرکت کنند، در حماقت نگه می دارد. قطع ارتباط با عمل و پیامد زیرا آنها فکر می کنند می توانند بدون هیچ عواقبی عمل کنند. مشکل این است که عواقبی وجود دارد و بنابراین گناه بی ارزش می شود. برخی فکر می کنند که شما همیشه فرصت دومی دارید. پس در این نوع تفکر فیض بد است. دفعه بعد که به این بخش می رسیم، در مورد قوانینی صحبت می کنیم که بسیار دشوار هستند. یکی از این قوانین قوانین جنگ خواهد بود. بنابراین ما می خواهیم در مورد قوانینی صحبت کنیم که استخوان های ما را به لرزه در می آورد و دفعه بعد به آن قوانین سخت برخورد خواهیم کرد. مواظب باش. سه شنبه شما را می بینیم.

این دکتر تد هیلدبرانت در دوره تاریخ، ادبیات و الهیات عهد عتیق، سخنرانی ۱۷ در مورد کتاب تثنیه، نهادهای اسرائیل و درک های مختلف از مفهوم قانون است.